

فهرست مطالب

۷.....	یش گفتار اول.....
۱۱.....	یش گفتار دوم.....
۱۳.....	یش گفتار سوم.....
۷۹.....	تویسندگی یعنی چه.....
۸۳.....	جعبه‌بزار.....
۱۰۵.....	از نوشتن.....
۱۹۵.....	از زندگی: پس گفتار.....
۲۰۷.....	و بعدتر، بخش ۱: در بسته، در باز.....
۲۱۷.....	و حتا بعدتر، بخش ۲: فهرست کتاب.....
۲۲۱.....	پانوشت‌ها.....

در این کتاب به زبان ساده و خلاصه تعریف کرده‌ام که چطور این هنر را می‌توانیم در زندگی خودمان به کار ببریم و از آن لذت ببریم. این کتاب برای کسانی که می‌خواهند با این هنر بیشتر آشنا شوند و یا کسانی که می‌خواهند در این زمینه تخصص بیشتری پیدا کنند، مناسب است.

پیش‌گفتار اول

شاید سال ۹۲ - معمولاً وقتی خوش می‌گذرد، زمان یاد آدم می‌ماند - به گروه راک اندرولی ملحق شدم که اکثر اعضای آن نویسندگان بودند. گروه «یادآوران بدبختی»^۱ بر اساس ایده‌ی کاتی کامن گلدمارگ^۲، ناشر کتاب و موسیقی‌دانی از سائراتیسسکو، شکل گرفت. در این گروه دیو بری^۳ گیتار اول را می‌زد، ریدلی پیرسون^۴ بیس، یاربارا کینگزلاور^۵ کیبورد، رابرت فولگام^۶ ماندولین و من هم گیتار ریتم را می‌زدم. یک زیرمجموعه‌ی سه‌نفری به اسم «خوانندگان شیک»^۷ داشتیم که معمولاً کاتی، تاد پارتیموس^۸ و ایمی تان^۹ آن‌را تشکیل می‌دادند.

این گروه قرار بود موقت باشد - دو تا اجرا در همایش فروشندگان کتاب امریکا داشتیم، خوش می‌گذرانیدیم، سه‌چهار ساعتی با جوانی ازدست‌رفته‌مان آشتی می‌کردیم و بعد برمی‌گشتیم سر زندگی‌مان.

ولی اوضاع این‌طور پیش نرفت، چون گروه هیچ‌وقت از هم نپاشید. ما دیدیم آن‌قدر ناختم باهم خوش می‌گذرد که نمی‌خواهیم گروه را به هم بزینم و با چندتایی نوازنده‌ی جانشین برای ساکسیفون و درام - به‌اضافه‌ی متخصص موسیقی برای روزهای اول، آل کوپر^{۱۰}، در هسته‌ی اصلی گروه - خیلی هم خوب اجرا می‌کنیم. مطمئناً خیلی‌ها حاضر بودند پول بدهند تا برای‌شان بنوازیم. نه این‌که به‌خوبی U2 یا E-Street باشیم، بلکه از همان‌هایی بودیم که قدیمی‌ها مایه‌ی رونق کافه‌ها می‌دانستند. با گروه‌مان به توری رفتیم، کثی درموردش نوشتیم - همسر من عکس می‌انداخت و هر وقت میلش می‌کشید، یعنی اکثر مواقع، می‌رقصید - و هر از گاهی، به‌عنوان «یادآوران» یا «پایه‌های ریموند بر»^{۱۱} به نواختن ادامه می‌دادیم.

۱- به نواختن ادامه می‌دادیم.

از نوشتن
درس‌های استیون کینگ از نویسندگی

استیون کینگ
ترجمه‌ی شیرین صادات‌صوفی

میر هزری و طراس جلند: طامنا ناشر

۱	پیش‌گفتار
۱۱	چرا می‌نویسیم؟
۶۱	نویسنده کیست؟
۶۷	چگونه می‌توانیم نویسنده شویم؟
۷۸	نویسنده کیست؟
۵۰۱	نویسنده کیست؟
۵۶۱	نویسنده کیست؟
۷۰۶	نویسنده کیست؟
۷۱۶	نویسنده کیست؟
۷۲۲	نویسنده کیست؟



طامنا ناشر
تهران
www.milkan.ir
info@milkan.ir

باید که در این کتاب به این موضوعات توجه شود...

در این کتاب به این موضوعات توجه شود...

در این کتاب به این موضوعات توجه شود...

در این کتاب به این موضوعات توجه شود...

در این کتاب به این موضوعات توجه شود...

گفتار سوم

در این کتاب به این موضوعات توجه شود...

بیش گفتار دوم

این کتاب خیلی کوتاه است، چراکه بیش تر کتاب های مربوط به نویسندگی فقط جوتیورند هستند. داستان نویس ها معمولاً خودشان هم نمی دانند چطور این کار را انجام می دهند - نه می دانند کارشان چطور خوب از آب درمی آید و نه می دانند گاهی شکل چطور ایجاد می شود. پس به نظرم رسید هرچه کتاب کوچک تر باشد، چرندیات آن هم کم تر خواهد بود.

یک استثنا در مورد این قانون چرندیات کتاب «عناصر سبک»^{۲۰} از ویلیام استرانک جوتیور^{۲۱} و ای. بی. وایت^{۲۲} است. این کتاب چرند زیاد یا قابل یافتن ندارد. (البته این کتاب کوتاه است و با ۸۵ صفحه، از این کتاب من کوچک تر است.) بگذارید همین الان برای تان بگویم که هر نویسنده ی بعد از این، باید این کتاب «عناصر سبک» را بخواند. قانون ۱۷ در فصلی با عنوان «اصول نگارش» این است: «کلمات بی فایده را حذف کنید.»

قصد من هم این است که در این جا همین کار را بکنم.

در این کتاب به این موضوعات توجه شود...